شنبه۲۳ آبان ۱۴۰۵شماره ۲۷۵۳
www.TOURISMpaper.ir
تنها روزنامه مکتوب گردشگری جهان
تریسم
گردشگران
۵



شکوه ناصرالدین شاه در قلب پایتخت

خانه ناصرالدین میرزا، از بناهای مهم تاریخی تهران است که به فرزند ناصرالدین‌شاه تعلق دارد. این وابستگی به خاندان سلطنتی، بار تاریخی ویژه‌ای به آن می‌دهد و آن را به نماد هویت فرهنگی و اجتماعی دوران قاجار تبدیل می‌کند. این بنا در محله‌ای تاریخی واقع شده و مرکز زندگی اشرافی در آن زمان بوده است. اهمیت این خانه فقط به‌خاطر ارتباط با خاندان سلطنتی نیست، بلکه به دلیل نقش آن در شکل‌گیری فرهنگ و هنر دوره قاجار است. معماری خانه ناصرالدین میرزا بازتابی از تجمل و شکوه درباری ناصرالدین‌شاه است. این بنا با ویژگی‌هایی مثل ایوان‌های ستون‌دار مرتفع و تالارهای بزرگ، الگوهای طراحی رسمی کاخ‌ها و خانه‌های نزدیک به دربار را نشان می‌دهد. طراحی خانه طوری است که همزمان با حفظ حریم خصوصی ساکنان، امکان برگزاری مراسم و مهمانی‌های بزرگ را هم فراهم می‌کند. این ویژگی‌ها، خانه ناصرالدین میرزا را به سندی ارزشمند از سلیقه معماری آن دوران تبدیل کرده است. تزئینات گچ‌بری و نقاشی‌های دیواری این خانه، زیبایی فضا را دوچندان کرده است. این جزئیات هنری، هم نشان‌دهنده ذوق و سلیقه معماران آن زمان است و هم تأثیرات فرهنگی دوران قاجار را نشان می‌دهد. استفاده از مصالح باکیفیت و تکنیک‌های ساخت پیشرفته، اعتبار این بنا را در میان ساختمان‌های هم‌عصر خود بالا برده است.

گزارش

زنان هخامنشی؛ تاجران و مدیران نمونه زمانه خود!

آیا زنان در دوره هخامنشی در حرمسراها محصور بودند و از فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی محروم می‌شدند؟ شواهد تاریخی و باستان‌شناختی نشان می‌دهد که واقعیت زندگی زنان در این دوره، پیچیده‌تر از تصویری است که برخی مورخان یونانی ارائه کرده‌اند.

دکتر علی‌اصغر سلحشور، دکترای باستان‌شناسی تاریخی از دانشگاه تهران و استادیار دانشگاه هنر اصفهان با اشاره به پژوهش‌های جدید در این زمینه توضیح داد که پژوهشگرانی چون هلن سانسیسی وردنبورگ، هایدماری کخ و پیر بریان با بررسی اسناد تاریخی و باستان‌شناختی نشان داده‌اند زنان هخامنشی علاوه بر حضور در دربار، در فعالیت‌های اقتصادی، مدیریتی و اجتماعی نیز نقش داشته‌اند.

به گفته او، بسیاری از روایت‌های یونانی درباره زنان شرقی تحت تأثیر کلیشه‌هایی شکل گرفته‌اند که شرق را با تجمل، فساد و انحطاط و غرب را با آزادی و عقلانیت پیوند می‌دادند. با این‌حال، نمی‌توان تمام اطلاعات این منابع را نادیده گرفت؛ بلکه باید آنها را در کنار شواهد باستان‌شناختی بررسی کرد.

زنان دربار؛ فراتر از فضای خصوصی

سلحشور برای نشان دادن حضور اجتماعی زنان دربار به روایت پلوتارک درباره استاتیرا، همسر اردشیر دوم اشاره کرد. بر اساس این روایت، استاتیرا در کالسکه‌ای با پرده‌های کنارزده در میان مردم ظاهر می‌شد و زنان می‌توانستند به او نزدیک شوند و با وی دیدار کنند.

همچنین نمونه‌هایی مانند مانیا، فرماندار زن در آسیای صغیر و آرتمیس نشان می‌دهد که زنان در قلمرو هخامنشی حتی در عرصه‌های سیاسی و نظامی نیز فعالیت داشتند.

حضور زنان در آثار هنری و آیین‌های اجتماعی

مهرها، نقش‌برجسته‌ها و آثار تدفینی به‌دست‌آمده از مناطق مختلف قلمرو هخامنشی، شواهد دیگری از حضور زنان در جامعه ارائه می‌کنند. در این آثار، زنان در صحنه‌های بارعام، شرفیابی، پذیرایی، موسیقی و مراسم سوگواری دیده می‌شوند.

برخی مهرهای هخامنشی نیز زنان را در موقعیت‌های ممتاز اجتماعی نشان می‌دهند. ثبت نام زنانی مانند «شوروش» بر مهرها، از جمله شواهد مهم برای بررسی هویت، مالکیت و فعالیت‌های اداری آنان است.

در یادمان‌های تدفینی آسیای صغیر، زنان در کنار مردان در مراسم تشییع و سوگواری حضور دارند. این تصاویر نشان می‌دهد که مشارکت زنان در مناسبات اجتماعی و خانوادگی بخش مهمی از زندگی آن دوره بوده است.

زنان در اسناد اقتصادی تخت‌جمشید

یکی از مهم‌ترین منابع شناخت جایگاه زنان، الواح گلی تخت‌جمشید است. این



اسناد که عمدتا به زبان عیلامی باستان نوشته شده‌اند، اطلاعات ارزشمندی درباره پرداخت دستمزد، جیره غذایی، تولید، تجارت و مدیریت نیروی کار ارائه می‌کنند.

بر اساس این الواح، زنان در مشاغل متنوعی مانند خیاطی، تولید نوشیدنی، کشاورزی، دامداری، حسابداری، انبارداری و تجارت فعالیت داشتند. حتی برخی از آنان سرپرستی گروه‌هایی از کارگران مرد را برعهده داشتند.

سلحشور به نام زنی به نام «ایندو» اشاره کرد که در اسناد به‌عنوان تاجر شناخته می‌شود. این شواهد نشان می‌دهد فعالیت اقتصادی زنان به کارهای خانگی محدود نبوده و آنان در ساختار تولید و توزیع نیز نقش داشته‌اند.

حمایت از زنان شاغل و مادران

الواح تخت‌جمشید اطلاعاتی درباره حمایت‌های اقتصادی از زنان باردار نیز در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. بر اساس این اسناد، جیره غذایی زنان در دوران بارداری افزایش می‌یافت و پس از تولد فرزند نیز برای مدتی از استراحت و دریافت جیره برخوردار بودند.

با این‌حال، میزان جیره اختصاص‌یافته برای تولد فرزند پسر بیشتر از فرزند دختر بود؛ موضوعی که در کنار وجود سازوکارهای حمایتی، از تداوم نوعی تبعیض جنسیتی در جامعه هخامنشی حکایت دارد.

زنان سلطنتی؛ صاحبان املاک و دارایی

زنان خاندان سلطنتی نیز از موقعیت اقتصادی قابل توجهی برخوردار بودند. بر اساس اسناد تخت‌جمشید، زنانی چون آتوسا، دختر کوروش و همسر داریوش، مالک زمین‌ها و املاک گسترده‌ای در مناطقی مانند فارس، خوزستان و میان‌رودان بودند.

آنان نیروی کار، خدمتکاران و ملازمان خود را داشتند و در برخی موارد شخصا بر اداره املاک و انجام معاملات نظارت می‌کردند. همچنین نام‌گذاری برخی زمین‌ها در آسیای صغیر با عناوینی مانند «گردنبند ملکه» و «کفش ملکه» نشان می‌دهد درآمد این املاک به تأمین هزینه‌های زنان سلطنتی اختصاص داشته است.

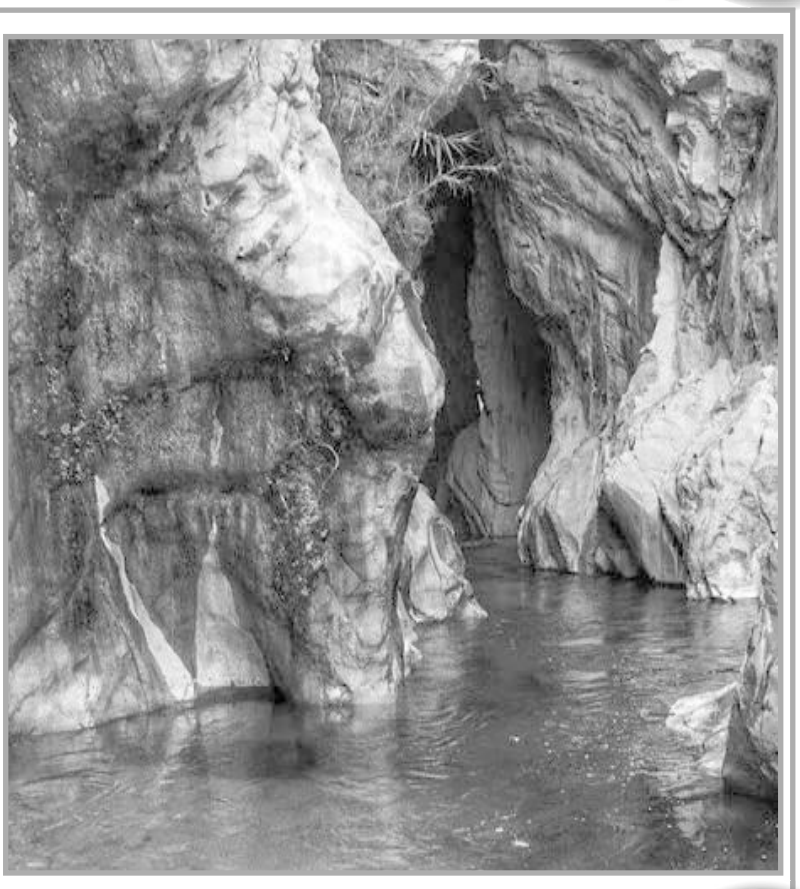
حرمسرا؛ الزاما به معنای انزوا نبود

سلحشور تأکید کرد که حتی با پذیرش وجود نهاد حرمسرا در دوره هخامنشی، نباید آن را معادل فضایی کاملا بسته و جدا از جامعه دانست. شواهد تاریخی نشان می‌دهد برخی زنان درباری، با وجود زندگی در ساختار سلطنتی، امکان مالکیت، سفر، مدیریت دارایی و فعالیت اقتصادی داشتند.

او در جمع‌بندی یادآور شد که برای شناخت جایگاه زنان هخامنشی نباید تنها به روایت مورخان یونانی تکیه کرد. بررسی همزمان متون تاریخی، مهرها، نقش‌برجسته‌ها، یادمان‌های تدفینی و به‌ویژه الواح اداری تخت‌جمشید، تصویری واقعی‌تر از زندگی زنان در طبقات مختلف جامعه ارائه می‌دهد؛ تصویری که در آن زنان نه صرفا ساکنان حرمسرا، بلکه بخشی فعال از ساختار اجتماعی و اقتصادی شاهنشاهی هخامنشی بودند.

پیشنهاد سفر

«چم جنگل»؛ بهشتی گمشده در حاشیه سیمره



روستای «چم جنگل» در شهرستان سیروان استان ایلام با برخورداری از جنگل‌های بلوط، چشم‌انداز رودخانه سیمره و جاذبه «کنابای»، ظرفیت قابل توجهی برای توسعه طبیعت‌گردی دارد؛ هرچند بخشی از باغات انار آن بر اثر بالاآمدن سطح آب دریاچه سد سیمره از بین رفته است.

روستای «چم جنگل» از توابع دهستان رودبار در بخش مرکزی شهرستان سیروان استان ایلام، با فاصله ۱۱ کیلومتری از شهر لومار، در مجاورت رودخانه سیمره و در دامنه ارتفاعاتی چون زوره، تقتوق و لاولا قرار گرفته است؛ روستایی که طبیعت بکر، جنگل‌های بلوط و چشم‌انداز رودخانه، آن را به یکی از ظرفیت‌های کمترشناخته‌شده طبیعت‌گردی استان تبدیل کرده، اما بالاآمدن آب دریاچه سد سیمره، بخشی از باغات انار و اراضی کشاورزی آن را به خطر انداخته است.

طبیعت بکر و چشم‌اندازهای کم‌نظیر

«چم جنگل» از موقعیت طبیعی ویژه‌ای برخوردار است؛ قرارگرفتن روستا در ارتفاعات و مجاورت رودخانه سیمره، از بالای آن چشم‌اندازی زیبا از رودخانه و طبیعت اطراف را پیش روی بازدیدکنندگان قرار می‌دهد. وجود کوه‌های «زوره»، «تقتوق» و «لاولا» در اطراف روستا همراه با پوشش جنگلی درختان بلوط، از ویژگی‌های طبیعی و چشم‌اندازهای زیبای این منطقه به‌شمار می‌رود.

طبیعت این روستا در فصل بهار از زیبایی خاصی برخوردار است و سرسبزی ارتفاعات، جنگل‌های بلوط و چشم‌انداز رودخانه سیمره، مناظر چشم‌نوازی را برای اهالی و بازدیدکنندگان فراهم می‌کند. همین ویژگی‌ها سبب شده این روستا به‌دلیل برخورداری از طبیعت بکر، فضای کوهستانی و پوشش گیاهی مناسب، ظرفیت قابل توجهی برای توسعه طبیعت‌گردی و گردشگری داشته باشد.

کوه‌های اطراف روستا شامل زوره، تقتوق و لاولا از جاذبه‌های طبیعی و گردشگری این منطقه محسوب می‌شوند و به‌دلیل برخورداری از پوشش طبیعی، جنگل‌های بلوط و چشم‌انداز زیبای رودخانه سیمره، ظرفیت مناسبی برای جذب گردشگران و علاقه‌مندان به طبیعت‌گردی دارند.

اما یکی از شناخته‌شده‌ترین جاذبه‌های «چم جنگل»، مکان طبیعی معروف به «کنابای» است؛ مکانی در دل کوه که فضایی شبیه غار دارد و در فصل تابستان هوای بسیار خنکی از داخل آن خارج می‌شود. همین ویژگی باعث شده این مکان مورد توجه مردم محلی و گردشگران قرار گیرد و در تابستان پذیرای افرادی باشد که برای استفاده از هوای خنک و طبیعت زیبای منطقه به آن مراجعه می‌کنند.

معیشتی بر پایه کشاورزی و دامداری

دهیار «چم جنگل» درباره ویژگی‌های این منطقه توضیح می‌دهد که بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، روستای «چم جنگل» دارای ۲۰۳ نفر جمعیت و ۱۲۰ خانوار بوده است که از این تعداد، ۷۱ خانوار به‌صورت ثابت در روستا سکونت دارند و سایر خانوارها فصلی‌هستند.

این روستا از ظرفیت‌های کشاورزی و دامداری برخوردار است و بخش قابل توجهی از فعالیت اقتصادی و معیشت ساکنان آن برپایه همین فعالیت‌ها شکل گرفته است.

گندم، جو و برنج از مهم‌ترین محصولات زراعی «چم جنگل» به‌شمار می‌رود. دامداری نیز از دیرباز از فعالیت‌های رایج میان مردم این منطقه بوده است. با توجه به برخورداری روستا از فضای مناسب کشاورزی و منابع آب، امکان توسعه و رونق فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری در این منطقه وجود دارد.

«چم جنگل» با طبیعت بکر، جنگل‌های بلوط، چشم‌انداز رودخانه سیمره و جاذبه‌ای چون «کنابای»، ظرفیتی جدی برای توسعه طبیعت‌گردی در شهرستان سیروان دارد؛ ظرفیتی که تکمیل زیرساخت‌های معابر، ساماندهی محیط روستا و توجه به خسارت‌های ناشی از سد سیمره می‌تواند زمینه شکوفایی آن را فراهم کند.

روستایی که اگرچه در سایه سد بخشی از باغات انارش را از دست داده، اما همچنان با سرسبزی بهاری و هوای خنک تابستانی‌اش، پذیرای علاقه‌مندان به طبیعت است.

میراث

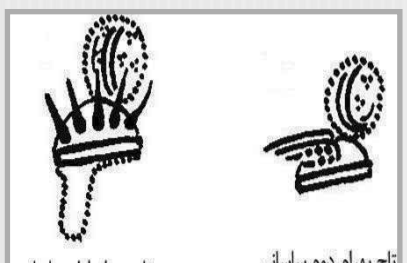
تاج‌ها؛ زبان نمادین سرپوش شاهی



■ محمدخلیل (رضا) محمودی

در هنر ساسانی، تاج وسیله‌ای بسیار فراتر از یک تزئین است؛ نشانه‌ی هویت پادشاه و بیانگر پیوندش با ایزدان. مهم‌ترین ویژگی در بررسی تاج‌های ساسانی آن است که هر شاه تاجی ویژه خود داشت که برای او طراحی می‌شد و به همین سبب، تاج مهم‌ترین ابزار شناسایی شاه در نقش‌برجسته‌هاست. البته بنابر شواهد و متون تاریخی، برخی شاهان بیش از یک نوع تاج داشتند و شاهان بعدی گاه تاج‌های پیشین را تکرار می‌کردند.

اردشیر، نخستین پادشاه ساسانی که پیش از آن در دولت اشکانی بر پارس حکومت می‌کرد و تاجی مختص به خود داشت، با رسیدن به رأس قدرت نشانه‌های تاج‌های پارتی را کنار گذاشت و با رویکردی به نیاکان خود، الگوی تاج‌های هخامنشی را جایگزین ساخت. شاپور، دومین پادشاه ساسانی و شاهی مقتدر، تاجی کنگره‌دار برگزید که یادگار سنت هخامنشی بود و در تاج او گویی نسبتا بزرگ به‌نام «کریمبوس» به‌عنوان یکی از شاخصه‌ها جای گرفته بود. جالب توجه است که در مجسمه عظیم شاپور اول در غار شاپور– نزدیک تنگ چوگان، در ارتفاع ۸۰۰ متری و در دوسوم بالایی کوه– این گوی دیده نمی‌شود و حتی اگر هنگام ساخت مجسمه وجود داشته (که به احتمال قوی چنین بوده)، در دوره‌ای که مجسمه تا دهه سی شمسی واژگون افتاده بود، نه اثری از آن برجا ماند و نه متون برجای‌مانده از زمان برافراشته‌شدن مجدد، ذکری از آن کرده‌اند.



تاج بهرام دوم ساسانی — تاج بهرام اول ساسانی

کریمبوس در اصل به معنای «خوشه»، «گره» یا «گوی بالای سر» است. در پژوهش‌های ساسانی‌شناسی، این اصطلاح را برای توده‌ای گرد از موی گردآمده بر فرق سر به‌کار می‌برند؛ توده‌ای که یا از موی طبیعی شاه بود یا با موی مصنوعی کامل می‌شد، اغلب آن را با پارچه‌ای نازک و ابریشمین می‌پوشاندند و با نوار یا دیهیم می‌بستند. در نقش‌برجسته‌ها، سکه‌ها و مهرها، این گوی به شکل برآمدگی کروی بالای تاج یا کلاه دیده می‌شود.

در نگاره‌های شاهی ساسانی، همه‌چیز بر محور «سر» می‌چرخد؛ جایی که تاج می‌نشیند و شکوه و جلال می‌بخشد و بر بالای این سر، گویی خاموش اما پرمعنا برمی‌خیزد: کریمبوس. این گوی تنها آرایشی ساده نیست؛ زبانی است در سکوت. گردی آن یادآور خورشید و کمال آسمانی است، پارچه‌اش نشان‌دهنده شکوه و پیوند با جهان تجارت و موی نهفته در آن ،یادگار باورهای کهن درباره نیروی نهان جسم شاه. شاهان ساسانی، از اردشیر،نخستین تا جانشینان او، با نشاندن این گوی بر فرق خویش، میراث اشکانی و یونانی‌مآبی را به زبانی تازه و ایرانی بازگفتند. در سنگ‌نگاره‌های تنگ چوگان، آنجا که بزرگی و جاودانگی حکومت ساسانی نشانده شده است،کریمبوس همچون نقطه‌ای بر انتهای جمله، معنای قدرت را کامل می‌کند.

بهرام اول نیز از تاج ویژه خود برخوردار بود؛ تاجی با پرتوهای خورشیدی میترا که با نمادی ایزدی همراه است و دیهیم بلند و کریمبوس را با خود دارد. این الگو نشان می‌دهد که تاج‌های نخستین ساسانی ساده بوده‌اند. بهرام دوم نیز– که در نقوش برجسته تنگ چوگان حجاری شده– تاجی بالدار برگزید که نشان از بال‌های عقاب داشت؛ بال در اینجا نماد پیروزی است. تاج بهرام دوم در سکه‌ها و نقوش دیگر نیز به همین شکل و با همین نماد بازتاب یافته است.

کارشناس ارشد باستان‌شناسی

کوله پشتی

«لنجان» برای هر مسافری سوغاتی دارد!

لنجان با انار، عسل و صنایع‌دستی، سوغاتی‌های متنوعی برای مسافران دارد. این شهرستان سرسبز در جنوب غربی اصفهان، که نامش با زاینده‌رود و باغ‌های انار گره خورده، فقط یک مقصد گردشگری ساده نیست؛ سرزمینی است که هنرهای دستی و سوغاتش از دل آب، خاک و دستان هنرمندانش بیرون می‌آید. از عسل و انار و برنج محلی تا صنایع‌دستی اصیل، لنجان برای هر مسافری سوغاتی دارد که بوی این دیار را با خود به خانه می‌برد.



سفالگری؛ هنری که از خاک این سرزمین می‌روید

لنجان، به ویژه مناطق اطراف زاینده‌رود، از دیرباز یکی از مراکز سفالگری استان اصفهان بوده است. خاک رس مرغوب کنار رودخانه، ماده اولیه‌ای است که هنرمندان محلی با آن ظروف سفالی، کوزه‌ها، گلدان‌ها و وسایل تزئینی می‌سازند. نقوش ساده و اصیل این سفال‌ها، بازتابی از زندگی روستایی و طبیعت سرسبز منطقه‌است.

گلیم‌بافی و دستبافت‌های روستایی

در روستاهای لنجان، هنر گلیم‌بافی و بافت انواع دستبافت‌ها همچنان زنده است. زنان هنرمند این منطقه با دستان خود، گلیم‌ها، جاجیم‌ها و زیراندازهایی می‌بافند که هم کاربردی‌اند و هم زیبا. این دستبافت‌ها با رنگ‌های طبیعی و نقش‌های الهام‌گرفته از طبیعت، از اصیل‌ترین سوغات لنجان به‌شمار می‌روند.

نمدمالی

نمدمالی از دیگر هنرهای سنتی منطقه است که در آن، پشم گوسفند با فشار و حرارت به هم می‌پیوندد و به نمدی ضخیم و گرم تبدیل می‌شود. نمدهای لنجان در رنگ‌های متنوع تولید می‌شوند و هم به‌عنوان زیرانداز و هم به‌عنوان تزئینات دیواری کاربرد دارند.

چرم‌دوزی و کیف‌دوزی

در برخی کارگاه‌های لنجان، هنر چرم‌دوزی و کیف‌دوزی نیز رواج دارد. کیف‌ها، کمربندها و وسایل چرمی دست‌دوز، با دوخت‌های ظریف و طرح‌های سنتی، یادگاری ماندگار از این دیار هستند.

انار لنجان؛ نگین سرخ باغ‌ها

لنجان به ویژه در منطقه‌های اطراف زاینده‌رود، یکی از قطب‌های تولید انار در استان اصفهان است. انارهای درشت، آبدار و خوش‌رنگ لنجان، شهرتی فراتر از مرزهای استان دارند. رب انار، آب انار و انار تازه، از پرطرفدارترین سوغات این شهرستان‌هستند.

عسل طبیعی

باغ‌های پرشکوفه و دشت‌های سرسبز لنجان، بهشتی برای زنبورهای عسل است. عسل طبیعی این منطقه با عطر و طعم بی‌نظیرش، یکی دیگر از سوغات ارزشمند لنجان است که خواص درمانی فراوانی دارد.

برنج محلی

کشت برنج در حاشیه زاینده‌رود، از دیرباز در لنجان رواج داشته است. برنج محلی این منطقه با عطر و طعم خاص خود، از سوغاتی‌های محبوبی است که مسافران با خود به خانه می‌برند.

لبنیات محلی

کشک محلی، دوغ و پنیرهای سنتی تولید شده در روستاهای لنجان، از دیگر سوغاتی‌های پرطرفدار این شهرستان هستند که با کیفیت بالا و طعم طبیعی خود شناخته می‌شوند.

گیاهان دارویی

دشت‌ها و کوهپایه‌های لنجان، رویشگاه انواع گیاهان دارویی مانند آویشن، گل گاوزبان و بابونه است. این گیاهان خشک‌شده، هم به‌عنوان داروی گیاهی و هم به‌عنوان چای و دمنوش، سوغاتی ارزشمند به‌شمار می‌روند.

بهترین مکان برای خرید سوغات

بهترین مکان برای خرید سوغات و صنایع‌دستی لنجان، بازارهای محلی و شهرهای مرکزی این شهرستان مانند زرین‌شهر و فولادشهر است. در این بازارها، علاوه‌بر صنایع‌دستی، می‌توانید انار، عسل، برنج و سایر سوغات خوراکی را نیز پیدا کنید. همچنین برخی کارگاه‌های سفالگری و گلیم‌بافی، امکان بازدید و خرید مستقیم از تولیدکننده را فراهم کرده‌اند.

طبیعت‌گردی

راز جزیره متحرک تکاب



چملی‌گول یا چمن شناور بر سطح آب، یکی از جاذبه‌های طبیعی ثبت‌شده ملی آذربایجان غربی است که در سال‌های اخیر مورد توجه گردشگران قرار گرفته. با این‌حال، سرمای منطقه، حضور گردشگران را معمولا به نیمه نخست سال محدود می‌کند. چملی‌گول یا چمن متحرک در نزدیکی روستای بدرلو در شهرستان تکاب قرار دارد. ویژگی شاخص این جاذبه طبیعی، وجود توده‌ای شناور از ریشه‌ها و پوشش گیاهی بر سطح آب است که با حرکت آب و وزش باد جابه‌جا می‌شود. این پدیده طبیعی به‌دلیل ویژگی خاص خود در فهرست آثار طبیعی ملی به ثبت رسیده و به یکی از ظرفیت‌های گردشگری طبیعت‌محور آذربایجان غربی تبدیل شده است. در ۳ سال اخیر برگزاری جشنواره ملی گردشگری به معرفی چملی‌گول کمک کرده‌است.

این چمن در واقع توده‌ای ریشه‌ای است که از آب تغذیه می‌کند و به نقطه ثابتی متصل نیست و به همین دلیل امکان حرکت و جابه‌جایی روی سطح آب را دارد که برای گردشگران بسیار جذاب است. مسیر دسترسی به این جاذبه گردشگری آسفالت شده و اقداماتی نیز برای بهبود راه دسترسی به آن صورت گرفته است. همچنین در این مسیر چند پل احداث شده است. توسعه امکانات بوم‌گردی‌هایی که در مسیر دسترسی به این جاذبه قرار دارند، زمینه بهره‌مندی گردشگران از این منطقه دیدنی در نیمه دوم سال را نیز فراهم می‌کند. نکته قابل توجه این است که مشارکت جامعه محلی در توسعه گردشگری این منطقه اهمیت زیادی دارد و بدون همراهی مردم محلی برنامه‌های گردشگری به نتیجه نمی‌رسد.

این منطقه به دلیل سرمای هوا در تکاب، در نیمه نخست سال گردشگر دارد. البته افرادی که علاقه‌مند به بازدید در فصل سرد هستند نیز به منطقه سفر می‌کنند.